

دعای تحویل سال

○ نادر کریمیان سردشتی

عبارت است از گردش یک دور زمین به دور خورشید یعنی از ابتدای وصول کره زمین به اول برج حمل تا رسیدن مجدد آن به همان نقطه اولی که این مدت عبارت است از ۳۶۵ روز و پنج ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۵ ثانیه. چون تقسیم این مقدار بر دوازده ماه محسوس نیست و کم می آورد، بنابراین هم چنانکه برای اصل تعیین این مقدار، محاسبه منجم لازم است برای کیفیت تقسیم این مقدار بر ماه‌های دوازده‌گانه نیز محاسبه منجم و گاه‌شمار از امور ضروری و حتمی است. و چون منجمان در کیفیت تقسیم، اختلاف کرده‌اند، بنابراین ماه‌های شمس براساس تاریخ‌های مختلف رومی و مسیحی قیصری معروف به تاریخ ژولین و مسیحی گرگوری و هجری شمسی و شمسی یزدگردی و جلالی ملکشاهی و شمسی باستانی تفاوت دارد و در هر یک از این تواریخ در تعداد روزهای ماه اختلاف است. در اینجا به سبب ضرورت بحث، از ماه‌های شمس حقیقی در تاریخ هجری شمسی یاد می‌کنیم که مبدا آن هجرت پیامبر گرامی اسلام (ص)



بیش از پرداختن به منابع و مضمون دعای تحویل سال، لازم است مختصری در باب اصطلاح نجومی «تحویل» و «تحویل‌سال» شرح و توضیح داده شود. تهبانوی صاحب «کشاف اصطلاحات الفنون» در توضیح اصطلاح «تحویل» می‌نویسد: «توجه کویبی است از آخر برج به اول برج دیگر، مانند انتقال شمس از درجه اخیر حوت به درجه اولی از حمل». در «فرهنگ نظام» نیز آمده است: «تحویل در علم هیات، منتقل شدن کویبی از آخر برجی به اول برج و تحویل قمر را انتقال گویند». صاحب فرهنگ «ناظم الاطباء» هم در توصیف آن گوید: «انتقال خورشید از برج حوت به برج حمل و یا از برجی به برج دیگر و یا انتقال هر یک از سیارات از برجی به برج دیگر راه تحویل گویند». به تحویل سال «حلول» و «حلول سال» نیز گویند و ساعت تحویل را هنگامی که خورشید از محاذات برج حوت خارج شده و محاذی برج حمل واقع می‌گردد که اول سال فارسیان است، می‌دانند. «تحویل سال» نیز که به اسامی «تحویل سنه»، «سال گردش»، «حلول» نیز تعبیر می‌گردد داخل شدن در دقیقه اول سال نو به نوروز را گویند. ابوریحان بیرونی در کتاب «التفهیم» در تحویل سال می‌گوید: «سال آن مدت است که آفتاب بدو یک بار همه فلک بروج را بگردد و بدانجای باز آید کجا به اول بود، و سال عالم بحسب اتفاق احکامیان [منجمان] از رسیدن آفتاب بسر حمل [است].»^۱

است. ماه‌های شمس حقیقی که بروج فلکی یا شمسی می‌نامند مطابق حرکت زمین در بروج دوازده‌گانه منظم گردیده که از ۳۲ روز بیشتر و از ۲۹ روز کمتر نیست بدین طریق: حمل ۳۱ روز، ثور ۳۱ روز، جوزا ۳۲ روز، سرطان ۳۱ روز، اسد ۳۱ روز، سنبله ۳۱ روز، میزان ۳۰ روز، عقرب ۳۰ روز، قوس ۲۹ روز، جدی ۲۹ روز، دلو ۳۰ روز، حوت ۳۰ روز. آغاز سال هجری شمسی همیشه اول اعتدال ربیعی

و فرخی در یکی از ابیات قصایدش گوید:
آنچه من دیدم در این تحویل سال از جود تو
نی بهار از ابر دیده‌ست و نه از خورشید کان
و یا در جای دیگر گوید:
نابریده عشرت عید تو از تحویل سال
ناگسسته بزم نوروزت ز جشن مهرگان
تحویل سال که در برج حمل صورت می‌گیرد در اصل

اول سال نو به نوروز را گویند. ابوریحان بیرونی در کتاب «التفهیم» در تحویل سال می‌گوید: «سال آن مدت است که آفتاب بدو یک بار همه فلک بروج را بگردد و بدانجای باز آید کجا به اول بود، و سال عالم بحسب اتفاق احکامیان [منجمان] از رسیدن آفتاب بسر حمل [است].»^۱

در ادبیات پارسی نیز شاعرانی همچون فرخی سیستانی از «تحویل سال» در سروده‌های خود یاد کرده‌اند

است. تعدیل این تاریخ برای ضبط کبیسه‌ها، همان قانون و تعدیل تقویم جلال ملکشاهی است که توسط حکیم عمر خیام تنظیم شده است.

اتفاق تحویل سال، انتقال برج حوت [ماهی] که از بروج دوازده گانه فلکی و برج دوازدهم باشد و همچون ماهی توهم می‌شود و کواکب آن به قول منجمان ۳۴ است و بیرون از صورت فلکی آن چهار کواکب دارد؛ به برج حمل [بره چند ماهه یا میش نر] است که ماه اول سال شمسی و برج اول از بروج دوازده گانه که پیش از ثور و پس از حوت است و همانند بره‌ای توهم می‌شود و کواکب آن ۱۳ است و در نزد منجمان این برج بیت الشرف آفتاب است و روزی که آفتاب در این برج داخل شود همان روز، نوروز است و مدت ماندن آفتاب در این برج را فروردین گویند و ابتدای بهار از این ماه باشد و روز نخستین آن عید نوروز یعنی عید اول سال ایرانیان و سایر کشورهای حوزه نوروز است.

آنچه شایسته است که در اینجا بدان اشارت شود اینک کاربرد ماههای شمسی در ایران از دوره دوم قانون گذاری مجلس شورای ملی مرسوم گردید و آن هم فقط در دوایر دولتی، بدون آنکه راس سال‌های شمسی از جای خود تغییر کند که همان هجرت رسول الله (ص) از مکه به مدینه طیبه بود. بعدها در دوره پنجم مجلس شورای ملی در جلسه یکصد و چهل و سوم که روز سه شنبه ۲۷ حوت ۱۳۰۳ شمسی و مطابق با ۲۱ شعبان ۱۳۴۲ قمری بود در تاریخ رسمی کشور پیشنهاد دو تغییر داده شد: نخست نام ماه‌های عربی از حمل و ثورا و جوزا به نام ماههای ایران باستانی: فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد، شهریور، مهر، آبان، آذر، دی، بهمن، اسفند تبدیل شود.^۱ و دیگر اینکه در تمداد روزهای این بروج تغییراتی دادند و شش ماه اول را ۳۱ روز و پنج ماه دوم را ۳۰ روز و ماه آخر را ۲۹ تعیین کردند و جمع آن ۳۶۵ روز می‌شود و برای باقیمانده آن هر چهار سال یک بار اسفند ماه را ۳۰ روز بگیرند، و آن سال را ۳۶۶ روز محاسبه کنند و استدلال هم این بود که از تقویم سلطان ملکشاه سلجوقی اخذ شده است.^۲

اینک با ذکر این مقدمات هنگامی که آفتاب به اعتدال بهاری بازمی‌آید و به قول مشهور از برج حوت به برج حمل منتقل می‌شود ایرانیان و سایر مردم کشورهای حوزه نوروز منتظر چنین لحظه‌ای می‌مانند تا سال تحویل گردد. آداب و سنتی در میان مردم در هنگام تحویل سال انجام می‌گیرد که به کوتاهی به نمونه‌هایی اشاره می‌شود: در

بین مردم اصفهان، اسطوره‌ای رایج است که «عجوزه خانم» به انتظار «عمونوروز» نشسته است؛ در روستاهای بندرعباس (همچون حسن لنگی) مردم صبح نوروزشان را با خواندن آیاتی از قرآن مجید آغاز می‌کنند و سپس با گل سرخ، که بین دو انگشت له کرده‌اند، شاخ گوسفندها، تنه نخل و بالای در خانه علامت می‌گذارند و گاهی هم به تیرهای چوبی سقف.^۳ در هرمود لار هم سقف خانه‌ها را علامت می‌گذارند.^۴ در هنگام تحویل سال همه افراد خانواده‌ها در خانه‌اند و به جز مازندرانها که برای هنگام تحویل سال مراسم ویژه‌ای دارند، دیگر مردم بر سر سفره‌های نوروزی نشسته‌اند، چه اگر کسی در وقت تحویل سال در خانه و بر سر سفره نباشد تا آخر سال از خانه آواره خواهد بود؛ در شهرهای مقدس مردم اغلب به امامزاده‌ها و اماکن مذهبی (همچون مساجد) می‌روند. عده‌ای از شیرازی‌ها به کنار «چشمه سعدیه» می‌روند، و ماهی‌های ریز را در لیوان آب می‌ریزند و با آب سر می‌کشند و دست و صورت خود را می‌شویند یا این باور که تا سال آینده سلامت خواهند بود، پیش از تحویل سال شمع و چراغ‌های سفره را روشن می‌کنند. قرآن پیش چشم گشاده است به انتظار رسیدن سال نو، عامه مردم بر این باور بوده‌اند و هنوز نیز در روستاها یک اعتقاد عمومی است که تحویل سال حرکت زمین از شاخی به شاخ دیگر است زیرا معتقدند که در میان دریای بیکران ماهی‌ای شناور است که گاوی را بر پشت دارد و زمین بر شاخ گاو نهاده است. به هنگام تحویل سال گاو زمین را از یک شاخ به شاخ دیگر می‌اندازد و همین موجب می‌شود که زمین لرزشی بیابد و تخم مرغی که روی آینه گذاشته‌اند، یا برگ سبز و نارنجی که در کاسه‌ای آب انداخته‌اند، می‌چرخد و ماهی‌هایی که در آب هستند به‌طور عمودی بی حرکت می‌شوند!^۵

خراسانی‌ها یک کوزه نو بر سفره می‌گذارند و نارنجی در دهانه آن که پس از تحویل سال لیوانی از آن بیاشامند و معتقدند که اگر کسی به هنگام تحویل سال غسل و تباشیر، عرق بیدمشک، یا آب جوجه خروس بخورد سلامت خواهد بود و مزاجش معتدل می‌شود. مردم وقتی سال تحویل می‌شود، پول یا خرماکی در دست می‌گیرند و براین باورند که شگون دارد و زنان باید سنجاق زیر گلو به چارقداشان بزنند تا رشته کارهاشان گسسته نشود. زن‌های الاشتی در هنگام تحویل سال به نان پختن یا ریسندگی و بافندگی مشغول می‌شوند، تا همیشه خانه‌شان پربرکت باشد و مردها هیزم می‌شکنند که نشانه کار و حرکت و جنبش و

نمودار توانایی و تندرستی است، یعنی که بتوانند در سال نو هر کار پرزحمتی را به آسانی انجام دهند.^۶

در کردستان پول یا خرماکی (خرماکی جنبنده‌ای است مثل سوسک سیاه) در دست می‌گیرند و پس از تحویل سال چند آیه از قرآن مجید می‌خوانند.^۷ برخی از مردم آشنا به این کار نیز روی نگین عقیق، و در و مرجان راحکاکی می‌کنند که آن را نگین «شرف شمس» می‌خوانند و کسانی که از این نگین‌ها، انگشتری دارند به انگشت می‌کنند. اولین کسی که پس از سال تحویل وارد خانه می‌شود، باید خوش قدم باشد، تا در سالی که در پیش است به اهل خانه خوش بگذرد. در شاهرود پیش از سال تحویل، یکی از فرزندان خوش قدم خانواده؛ با کوزه سبز از خانه بیرون می‌رود و کوزه را پراز آب می‌کند و در لحظه تحویل سال به خانه بازمی‌گردد، که قدمش برای اهل خانه گرمی خواهد بود و همه به او عیدی می‌دهند. در «لاشت» کسی را که در روزهای نوروز و اول ماه (مارمه=مادرمه) به خانه می‌آید «شهین» (sehin) می‌گویند. «شهین» با خود نان و سیب و قرآن به خانه می‌آورد و تبریک می‌گوید: «عیدنوموارک» (Ayde nomovarak) (عید نو مبارک). بعد با اهل خانه روبوسی می‌کند، بزرگ خانواده او را به کنار سفره نوروز می‌برد و با غسل و شیرینی و حلوا از او پذیرایی می‌کند و عیدی می‌دهد.^۸ در «تلاوک» و «سما» و دیگر مناطق مازندران و حوزه دامنه‌های البرز مرکزی یکی از همسایه‌ها یا منسوبان خود را «خوش شگون» می‌دانند و او را «سال مج» (salemej) می‌نامند. او اولین کسی است که بعد از تحویل سال به خانه می‌آید، و کوزه پر از آب به دست دارد. مقداری آب در حیاط خانه می‌پاشد و سال نو را به همه تبریک می‌گوید. در فردوس خراسان نیز، مردم بعد از تحویل سال به صحرا می‌روند و یک دسته علف می‌آورند و به قفل یا زنجیر در خانه می‌بندند. به این نیت که تا آخر سال در آن خانه صفا و خرمی باشد.^۹ هنگام تحویل سال را اکنون مردم از رادیو و تلویزیون می‌شنوند و در روستاها یا طبل زدن و تیراندازی با تفنگ‌های سربرو پرتاب توپ اعلام می‌دارند.

و اما در باب دعای تحویل سال که در لحظات بسیار حساس تحویل خوانده می‌شود از گذشته‌های دور معمول و مرسوم بوده است با آنکه منابع و مأخذ مذهبی تا دوره صفوی بدان تصریح نکرده‌اند ولی احتمالاً قبل از دوره صفویه نیز نظر به ارزش و اهمیت این عید در نزد ایرانیان مرسوم بوده است. رسم این بوده که پس از تحویل سال

مِقْلَبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مَحْمُولَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ يَا حَاجِلَ النَّاسِ إِلَى الْحَسَنِ وَالْحَسَنِ

بزرگ خانواده یا رییس طایفه و در اماکن مذهبی، روحانی و امام جماعت پس از قرائت چند آیه از قرآن مجید دعای تحویل سال را می‌خواند و دیگران نیز همراه وی این دعا را می‌خوانند و سپس به مقتضای نیازهای خودشان در آغاز سال جدید دعاها و درخواست‌هایی از خداوند منان دارند که موجبات سلامتی و پیشرفت و توفیق عبادت و اطاعت و بندگی خدا را برایشان فراهم سازد. دعای تحویل سال که مشهور است و باید خوانده شود این است:

یا مقلب القلوب و الابصار
یا مدبر اللیل و النهار
یا محمول الحول و الاحوال
حول حالنا الی احسن الحال.

[ای دگرگون‌کننده دلها و دیده‌ها، ای تدبیرکننده شب و روز و ای بر هم زننده حال و احوال، دگرگون ساز حال ما را به بهترین احوال] درباره منابع و مأخذ مضامین و تعابیر این دعا می‌توان گفت براساس آنچه از کلمات این دعا مستفاد می‌شود، یقین حاصل کرد که اصل دعا از قرآن کریم و احادیث و روایات نبوی اقتباس و اخذ شده است که به نمونه‌هایی از آن اشارت می‌رود:

الف: قرآن کریم

۱) مقلب القلوب و الابصار: (دگرگونی دلها و دیده‌ها). در قرآن کریم عین این تعبیر در سوره نور آیه ۳۷ آمده است: رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله و اقام الصلوة و ايتاء الزكوة يخافون يوما تتقلب فيه القلوب و الابصار. [مردانی که تجارت و داد و ستد، ایشان را از ذکر خدا و بپا داشتن نماز و دادن زکات غافل نمی‌کند و از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن مقلب و دگرگون می‌شود می‌ترسند].

۲) قرینه‌سازی قلوب و ابصار: در قرآن کریم از صنعت قرینه‌سازی برای فهم مطالب انذار و تبشیر بسیار استفاده شده و به ویژه قرینه‌های «قلب» و «بصر» را در چندین آیه به کار گرفته که به دو نمونه آن بسنده می‌شود: در سوره حج (آیه ۴۶) خدانود می‌فرماید: «فلم يسيروا في الارض فتكون لهم قلوب يعقلون بها او اذان يسمعون بها فانها لا تعمى الابصار ولكن تعمى القلوب التي في الصدور» [چرا در زمین سیر (وسفر) نکردند تا صاحب دلانی شوند که به آن تعقل (ادراک حقایق) کنند و یا گوش‌هایی که به آن بشنوند زیرا که چشم‌ها کور نیست و لیکن دل‌هایی که در سینه‌ها می‌باشد کور است].

و نیز در سوره نحل (آیه ۱۰۸) آمده است: «ولئك الذين طبع الله على قلوبهم و سمعهم و ابصارهم و اولئك هم الغافلون»، [کافران] آنان کسانی‌اند که خدا بر دل‌هاشان و گوش‌هاشان و چشم‌هاشان مهر نهاده و آنان خود بی‌خبرانند. پس مضمون دعا می‌رساند که مردم در هنگام آغاز سال جدید همچنان که دگرگونی طبیعت را می‌بینند از خدانود خواهانند تا دلها و دیده‌هایش را به حقایق هستی و مبدء و معاد بگشاید و به سرنوشت کافران و ناپاواران مبتلا نگردد که کوردل و نابینا از دنیا رفتند و به عذاب الهی گرفتار شدند.

۳) تدبیر امر شب و روز: از موارد تدبیر خدانود در باب شب و روز که اثبات حرکت وضعی و انتقالی زمین را نیز در قرآن تبیین می‌نماید در آوردن روز از شب و شب از روز همچون تولد یکی از دیگری.

تا از فضل پروردگار خودتان بجویید و تا شماره سال‌ها و حساب را بدانید و هر چیزی را توضیح دادیم توضیح کاملی. محونا آیه اللیل: محو در این آیه به معنی جعلناها محوا می‌باشد یعنی شب را محوکننده و تاریک قرار دادیم و شب اشیاء را از نظر محو می‌کند یعنی آن را مظلم قرار دادیم. پس آن را برطرف کرده و روز را روشنی و وسیله بینایی قرار دادیم و اینها نشانه قدرت و تدبیر منظم حق تعالی و دلیل بر حکمت اوست.

به واسطه آمدن شب و روز انسان می‌تواند به کسب و کار و فعالیت و تلاش و استراحت و خواب و راحتی بپردازد و به واسطه ماه و خورشید و هلال و بدرشدن ماه می‌تواند ساعات و هفته و ماه و سال را به حساب درآورد. (سبحان الخالق المدبر).

در سوره انبیاء (آیه ۳۳) نیز آمده است: «و هو الذي خلق الليل و النهار و الشمس و القمر كل في فلك يسبحون». [و او آن کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید که هر یک در مدار خود شنا می‌کنند]. همچنین در سوره تور (آیه ۴۴) می‌خوانیم: «يقلم الله الليل و النهار ان في ذلك لعلبة لاولی الابصار». [خدایی که شب و روز را برمی‌گرداند بدرستی که در این البته عبرتی است برای صاحبان بصیرت].

۶) احسن الحال: در قرآن این تعبیر به کار نرفته است ولی تعبیری دیگر آمده است که به جای «حال»، «عمل» به کار رفته است اما مفهوم و معنا همان مضمون دعا را القا می‌کند. در سوره ملک (آیه ۲) خدانود می‌فرماید: «الذي خلق الموت و الحیة لیلوکم ایکم احسن عملا و هو العزيز الغفور». [آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان از جهت عمل بهترید و او است عزیز آمرزیده]. در این آیه هدف از حیات و زندگی داشتن عمل احسن یا احسن العمل است و در دعای تحویل نیز دعای مؤمن این است که خدانود توفیق دهد تا «احسن الحال» شاملش گردد که طبیعی است کسی که حال و احوال وی احسن است، کردار و گفتار و پندارش نیز نیکو شود که منتهای هدف

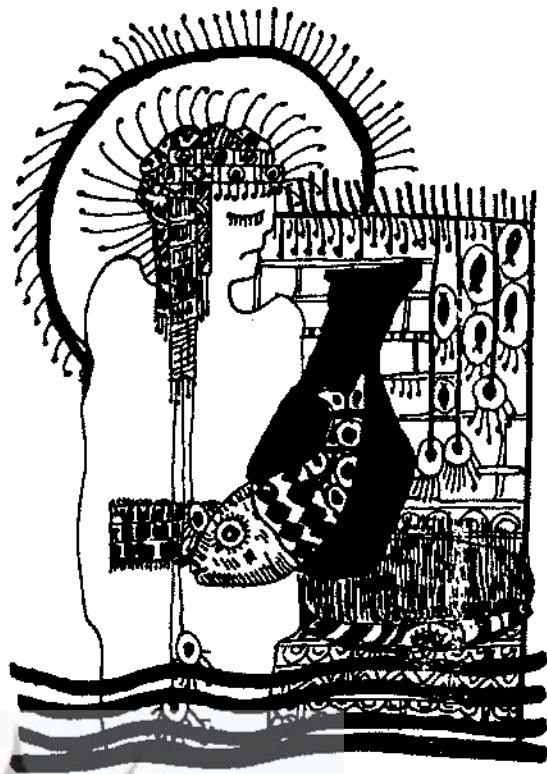
قرآن در سوره لقمان آیه ۳۰ می‌فرماید: «لم تر ان الله یولج اللیل فی النهار و یولج النهار فی اللیل و سخر الشمس و القمر کل یجرى الی اجل مسمى و ان الله بما تعملون خبیر». [ای ندیدی که خدا شب را به روز می‌برد و روز را به شب درمی‌آورد و آفتاب و ماه را مسخر کرده که هر یک به مدتی معین روانند و محققاً خدا به اعمالی که می‌کنید آگاه است].

۴) مدبر اللیل و النهار: این مضمون و تعبیر به صراحت در قرآن آمده با این تفاوت که به جای واژه تدبیر، «تقدیر» به کار رفته است و تقدیر از لوازم تدبیر می‌باشد. در سوره مزمل (آیه ۲۰) آمده: «والله یقدر اللیل و النهار [و خدا (گردش) شب و روز را مقدر می‌کند].

۵) قرینه‌سازی لیل و نهار: در آیات متعدد نیز لیل و نهار با هم به کار رفته که علاوه بر بیان صنعت قرینه، عظمت اسرار مخلوقات و شیوه تدبیر علمی آنها را هم بیانگر می‌باشد از جمله در آیات ذیل: سوره آل عمران (آیه ۱۹۰): «ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار لآیات لاولی الالباب». [به راستی در آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف شب و روز محققاً آیاتی است برای خردمندان]

سوره یونس (آیه ۶): «ان فی اختلاف اللیل و النهار و ما خلق الله فی السموات و الارض لآیات لقوم یتقون» [بدرستی که در آمد و رفت و کم و زیاد شدن شب و روز و آنچه خدا در آسمانها و زمین آفریده آیاتی است برای گروهی که خویششان دار باشند].

در سوره مبارک اسراء (آیه ۱۲) علاوه بر قرینه‌سازی و بیان اینکه نشان قدرت الهی هستند به نقش آنها در گاهشماری نیز اشارت رفته است: «و جعلنا اللیل و النهار آیتین فمحونا آیه اللیل و جعلنا آیه النهار مبصرة لتبتغوا فضلا من ربکم و لتعلموا عدد السنین و الحساب و کل شیء فصلناه تفصیلاً». [و شب و روز را دو آیت و نشانه قدرت و دلیل خلق بر مصالح دین و دنیا قرار دادیم پس آیه شب را تاریک نمودیم و آیه نهار (روز) را روشنی قرار دادیم



آمده مشهورتر است: «قال الله بیدی اللیل والنهار».^{۲۶} [خداوند می فرماید: شب و روز در حیطة قدرت و اختیار من هستند (یعنی آمد و شدشان به امر و فرمان من است)]. منابع روایی اهل سنت و اهل تشیع در خصوص «نهار» (روز) و «لیل» [شب] به عنوان آیات الهی و نقش آنها در زندگی، روایات بسیاری آمده است که به دو روایت اکتفا می شود: شیخ طوسی در تهذیب و شیخ صدوق در «من لایحضره الفقیه» آورده اند: «جعل آیه النهار مبصرة لیتقوا فضلا منه» [و خداوند روز را نشانه ای برای روشنایی و بصیرت آدمیان قرار داد تا در آن فضل او را بچینند]^{۲۷} در کافی شیخ کلینی هم در ضمن دعا آمده است: «یا من... جعل آیه النهار مبصرة».^{۲۸}

۶) احسن الحال: در خصوص تغییر احوال با کمک و تایید خداوند نیز روایاتی قریب به مضمون دعای تحویل آمده است. در مسند امام احمد و سنن ابی داوود آمده است: «اللهم یک احوال و یک اصول»^{۲۹} [پروردگارا به کمک شماست که حرکت می کنم و رشد می نمایم]. در سنن دارمی و همچنین در مسند امام احمد بدین گونه نیز ثبت شده است: «اللهم یک احوال و یک اصول»^{۳۰} حدیث «لا حول ولا قوة الا بالله» نیز که در روایات بسیاری (از جمله در سنن ترمذی و سنن نسایی) به عنوان گنجی از گنج های بهشت از آن یاد شده است، تعلیم می دهد که محول الحول و الاحوال تنها خداست و بس. اوست که بندگان را هدایت می کند و اوست که توفیق رشد می دهد. در حدیثی دیگر [دعای پیامبر اکرم (ص)] بجای «احسن حال» آمده که پروردگارا همچنان که خلقت و آفرینش مرا زیبا ساختی، اخلاق و منش مرا نیز نیکو گردان: «اللهم احسن خلقی فاحسن خلقی».^{۳۱}

شیخ طوسی نیز در التهذیب دعای را نقل می کند که قریب به مضمون دعای تحویل سال است: «اللهم احسن ما نقول ثابتاً فی قلوبنا»^{۳۲} که از خدا خواهیم آنچه که می گوئیم قلوب ما نیز گواهی دهند. به هر روی این احادیث و روایات نمونه هایی بود که گاه عین کلمات دعای تحویل سال در آنها تکرار شده است و یا جملات و کلماتی هستند قریب به مضمون عبارات دعای تحویل سال.

آنچه قابل توجه است در روایتی که در باب نوروز از معلی بن خنيس وارد شده (و ضعیف السند هم است) هیچ گونه اشاره ای به دعای تحویل سال نشده و به جای دعا یک سلسله آداب و سنن و انجام چهار رکعت نماز توصیه شده است. در کتاب های مشهور ادعیه همچون اقبال الاعمال سیدابن طاووس و مصباح المتجهّد شیخ طوسی اشاره ای به دعای تحویل سال نگردیده و این نشان می دهد چه در منابع اهل سنت و چه منابع اهل تشیع «سند روایی» مورد اعتماد برای آن موجود نمی باشد جز اینکه محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۱ق) در کتاب «ازالمعاد» در خصوص این دعا گزارش می کند: «در غیر کتب مشهوره روایت کرده اند که در وقت تحویل سال این دعا را بسیار بخوانید و بعضی ۳۶۶ مرتبه گفته اند: یا محول الحول و الاحوال، حول حالنا الی احسن الحال و روایت دیگر: یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال.» در این گزارش مجلسی

دینت [یا در بندگی شما] ثابت نمای. در این روایات مقلب القلوب بدون «الابصار» به کار رفته است.

۲) مقلب القلوب و الابصار: این کلمات که مقلب القلوب یا ابصار قرین گشته است تنها در کتاب الاحکام شیخ طوسی ثبت و ضبط شده است در آن کتاب آمده است: «اللهم مقلب القلوب و الابصار».^{۳۳} و در کتاب کافی شیخ کلینی چندین روایت گزارش شده و در آن حدیث با آیات سوره نور تلفیق گشته است و در ضمن روایت، آیه «یخافون یوماً تقلب فی القلوب و الابصار» (آیه ۳۷ سوره نور) مورد استشهاد قرار گرفته است.^{۳۴}

۳) قرینه سازی قلوب و ابصار در روایات: در احادیث نبوی نیز همچون آیات قرآن «قلوب» و «ابصار» و «قلب» و «بصر» یا هم قرینه شده اند که به نمونه هایی از آن اشاره می گردد: در سنن ابی داوود آمده است: «و بارک لنا فی اسماعنا و ابصارنا و قلوبنا».^{۳۵} و در تهذیب الاحکام شیخ طوسی هم آمده: «اللهم اجعل الیقین فی قلبی و النور فی بصری».^{۳۶} در روایت کافی شیخ کلینی آمده: «والبصيرة فی دینی و الیقین فی قلبی».^{۳۷} و باز هم در کافی روایتی دیگر در قرینه قلوب و ابصار بدین گونه آمده: «و هوام القلوب اکبر [یادق] من ابصار العیون»^{۳۸} در روایت دیگری از کافی در ضمن دعایی بصیرت (روشنایی) به قلوب مؤمنان نسبت داده شد: «... فیعظمه و نوره ابصر قلوب المؤمنین».^{۳۹}

۴) تدبیر لیل و نهار: در احادیث و روایات در خصوص تدبیر لیل و نهار به صراحت و با این لفظ در منابع و ماخذ مطلبی ثبت و ضبط نشده اما از آمد و رفت شب و روز و تقلب (تغییرات) آنها سخن به میان آمده است در صحیح بخاری و صحیح مسلم نیشابوری و سنن ابی داوود و مسند امام احمد بن حنبل آمده است: «وانا الدهر [بیدی الامر] اقلب اللیل و النهار»^{۴۰} [و من همان دهر هستم که همه امور در حیطة قدرت من است و من دگرگون کننده شب و روز هستم].

۵) قرینه سازی لیل و نهار: در روایات آمده در این خصوص این روایت که در صحیح بخاری و صحیح مسلم

نهایی خلقت انسان در رسیدن به چنین جایگاه و مقامی است.

ب: احادیث و روایات نبوی

در احادیث و روایات نیز مضامین و یا عین جملات این دعا گزارش شده است. اما با این توضیح که این دعاها همواره و در همه اوقات خوانده می شده و اختصاص به وقت مشخص و معینی از سال نداشته است و اگر تعابیر و کلمات دعای تحویل سال بدین گونه گزینش و انتخاب شده است به دلیل تناسبی است که این تعابیر با تحولات طبیعت و دگرگونی فصول دارند. در اینجا به نمونه هایی از دعاها و جملاتی که در منابع و ماخذ روایی اهل سنت و اهل تشیع گزارش شده اند اشارت می کنیم:

۱) مقلب القلوب: این ترکیب و تعبیر در احادیث نبوی بسیار به کار رفته است که نمونه هایی از آن را گزارش می نمایم. با جمله «یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک» در صحیح امام بخاری، سنن ترمذی، سنن ابن ماجه، مسند امام احمد بن حنبل ثبت و ضبط شده است.^{۴۱} همین حدیث در تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار میبیدی آمده است.^{۴۲} این حدیث با اندک تفاوتی به دو شکل ذیل نیز ثبت شده: «یا مصرف القلوب ثبت قلبی علی طاعتک» و «یا مصرف القلوب [مقلب القلوب] ثبت قلوبنا علی دینک».^{۴۳} در اینجا به جای لفظ تقلیب، تصریف آمده که از نظر معنا و مفهوم مترادفند و به معنی گرداندن و دگرگون کردن است. در «من لایحضره الفقیه» شیخ صدوق هم اینگونه ثبت شده: «یا مصرف القلوب ثبت قلبی علی طاعتک».^{۴۴} در مسند امام احمد بن حنبل هم باز بدین گونه نیز روایت شده: «اللهم مصرف القلوب اصرف قلوبنا الی طاعتک»^{۴۵} و باز در مسند امام احمد به لفظ «یا مصرف القلوب» هم ضبط شده است.^{۴۶} در سنن ابن ماجه به جای لفظ تصریف و تقلیب، تثبیت به کار رفته است: «یا مثبت القلوب ثبت قلوبنا علی دینک»^{۴۷} مضمون همه این دعاها این است که ای پروردگارا، ای دگرگون کننده دلها، دل ما را [یا دلهای ما را] بر پیروی

عروس گوله

گروه عروس گوله یا عروسی گوله نیز از جمله پیشاهنگان نوروز بودند. عروس گوله نمایش‌گونه‌ای بود که ایفاگران نقش‌های اصلی آن عبارت بودند از غول، پیربابو و نازخانم. غول کلاهی از گلش (ساقه‌های خشک شالی) بر سر می‌نهاد، زنگ و زنگوله‌هایی به خود می‌آویخت و چماقی هم به دست می‌گرفت. پیربابو، خود را به پیرمردی می‌آراست (این نقش را در مناطق غربی گیلان کوسه و در کوهستان‌های شرق گیلان پیربابو می‌نامیدند) و نقش نازخانم را هم یکی از جوانان که لباس زنانه می‌پوشید، بازی می‌کرد. موضوع نمایش، دعوی غول و پیر بابو بر سر نازخانم بود. سرانجام قرار می‌شد کشتی بگیرند. غول پیروز می‌شد و همراه نازخانم، رقص کنان بازی را به پایان می‌برد. گروه عروس گوله شامل شش - هفت نفر می‌شد و بقیه عبارت بودند از فانوس دار، بارکش، نوازنده و گاهی یک نقش زنانه دیگر به نام «کاس خانم». این گروه معمولاً چند روز پس از نوروزی خوان‌ها ظاهر می‌شدند. آنها شب‌ها حرکت می‌کردند و در هر خانه که بازی می‌کردند از صاحب‌خانه هدیه‌هایی می‌گرفتند، که مانند هدایای نوروزی خوان‌ها عبارت بود از برنج و تخم‌مرغ و شیرینی و گاهی پول. نمایش عروس گوله ریشه در سنت‌های نمایشی اسطوره‌های کهن مربوط به آغاز بهار دارد، که در آنها نمادهای سال کهنه و نو با هم به ستیز برمی‌خیزند. این گونه نمایش به صورت‌های مختلف در اغلب مناطق ایران و حوزه‌های فرهنگی همجوار وجود دارد.

عروس گوله از جمله نمایش‌های سنتی آئینی است؛ اما به جهت اینکه معمولاً در شمار رسم‌های مقدمه نوروز انجام می‌گرفته است، در این شماره آورده شد. این نمایش با رسم‌های نمایشی و آئینی طلب باران و رسم‌های چوپانی که در شب چله کوچک زمستان (دهم بهمن ماه) در بسیاری از مناطق ایران معمول بوده، وجوه مشترک قابل ملاحظه‌ای دارد و این امر بیانگر پیشینه آئینی این نمایش و ارتباط آن با رسم‌های مذکور می‌باشد.

پژوهشکنه مردم‌شناسی میراث فرهنگی کشور

یادداشت‌ها:

۱. التفهیم، ابوریحان بیرونی، به کوشش جلال‌الدین همایی، ص ۲۰۷.
۲. اسامی این ماه‌ها در کتاب التنبیه و الاشراف، مسعودی (ص ۱۸۴) گزارش شده است و نیز سایر منابع کهن دوره اسلامی.
۳. روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی سال ۱۳۴۲ قمری (۱۳۰۳ ش)، ص ۱۰۱۰-۱۰۱۴، ۱۰۵۶-۱۰۶۰.
۴. آیین‌های نوروزی، مرتضی هنری، ص ۶۴ به نقل از بررسی مراسم نوروز در بندرعباس: علیرضا ارفع زاده. ه همنان، ص ۶۴ به نقل از: تک‌نگاری روستای هرمودلار: کلاله پاک.
۵. همان، ص ۶۵.
۷. آلاشت هوشنگ پورکریم: ص ۸۵ (تهران، انتشارات اداره فرهنگ عامه وزارت فرهنگ و هنر، بی تا)
۸. آیین‌های نوروزی، ص ۶۵ به نقل از: بررسی مراسم نوروز در کردستان - کرمانشاهان - آذربایجان، فراهم آمده: کلاله پاک.
۹. آلاشت، هوشنگ پورکریم، ص ۸۶ - (تهران، انتشارات اداره فرهنگ عامه، بی تا).
۱۰. آیین‌های نوروزی، ص ۶۶. (تهران، مرکز مردم‌شناسی ایران، ۱۳۵۳ ش).
۱۱. صحیح البخاری، کتاب توحید، باب ۱۱، سنن ترمذی، کتاب قدر، باب ۷، کتاب دعوات، باب ۸۹، ۱۲۴؛ سنن ابن ماجه، کتاب الدعاء، باب ۲؛ مسند امام احمد بن حنبل، ج ۲، ۴۱۸، ۱۸۲، ج ۶: ص ۹۱، ۲۵۱، ۲۵۴، ۳۰۲، ۳۱۵.
۱۲. کشف الاسرار و عذالبار، رشیدالدین میبدی، ج ۲: ص ۲۲، ج ۴، ص ۲۸.
۱۳. صحیح بخاری (کتاب توحید)، سنن ترمذی (کتاب قدر و کتاب دعوات)، سنن ابن ماجه (کتاب دعا)، و مسند امام احمد بن حنبل (ج ۴ و ج ۶).
۱۴. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۲۷، سطر ۱۷.
۱۵. مسند امام احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۱۶۸.
۱۶. همان، ج ۲، ص ۱۷۲.
۱۷. سنن ابن ماجه، مقدمه، باب ۱۳.
۱۸. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۷۴، سطر ۵.
۱۹. الکافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۱۸۲؛ ج ۲، ص ۴۸.
۲۰. سنن ابی داوود، کتاب صلاة، حدیث ش ۱۷۸.
۲۱. التهذیب، ج ۳، ص ۷۵.
۲۲. الکافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۵۵۰.
۲۳. الکافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۹۹.
۲۴. الکافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۱۲۹، ج ۸، ص ۱۲۴.
۲۵. صحیح بخاری، تفسیر سوره ۴۵، باب ۱، کتاب توحید، باب ۳۵؛ صحیح مسلم نیشابوری، کتاب الفاظ، باب ۲؛ سنن ابی داوود، کتاب ادب، حدیث ش ۱۶۹؛ مسند امام احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۳۸، ۲۷۲، ۲۷۵.
۲۶. صحیح بخاری، کتاب ادب، باب ۱۰۱؛ صحیح مسلم، کتاب الفاظ، باب ۱.
۲۷. التهذیب طوسی، ج ۳، ص ۱۰۴؛ من لایحضره الفقیه شیخ صدوق، ج ۲، ص ۱۶۳.
۲۸. الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۱۶۳.
۲۹. مسند امام احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۱۶، سنن ابی داوود، کتاب الجهاد، حدیث شماره ۹۰.
۳۰. سنن امام دارمی، کتاب السیر، حدیث شماره ۷؛ مسند امام احمد بن حنبل، ج ۴: ص ۳۳۲-۳۳۳.
۳۱. مسند امام احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۴۰۳؛ ج ۶: ص ۶۸-۱۵۵.
۳۲. التهذیب شیخ طوسی، ج ۳، ص ۹۴؛ ج ۶: ص ۳۶.

تصریح دارد که این دعا در کتاب‌های غیر مشهور ثبت و ضبط شده (مقصود اینکه در کتب اربعه شیعه و کتاب‌های مشهور ادعیه نیامده) دو دیگر اینکه به دو شکل دعا را گزارش می‌کند، یکی اینکه تنها جزو اخیر دعا را می‌آورد، دو دیگر اینکه دعا را به طور کامل گزارش می‌نماید. با توجه به این گزارش دعای تحویل سال در دوره صفوی موسوم و معمول بوده است.

دعای تحویل سال با توجه به مضامین و تعبیر مندرج در آن چندین موضوع را برای باورمندان تناعی می‌کند: نخست اینکه در تحولات طبیعی که در آغاز فصل بهار بر روی زمین رخ می‌دهد و زمستان سرد و سخت به بهار معتدل و سرسبز تبدیل می‌گردد و همه جا زنده و با نشاط و پرتحرک می‌شود و مجدداً از زمین انواع سبزه‌ها و گیاهان و گل‌های رنگارنگ سربرمی‌آورد همه آنها نشان از یک «تحول عظیم» دارد که دست قدرت الهی آن با قوانین و سنت‌های حکیمانه مقدر فرموده، دو دیگر اینکه این تحولات و زنده شدن همه موجودات تداعی‌کننده معاد جسمانی و روحانی در قیامت است تا تذکری باشد برای پندگان خدا که همچنان که ما در فصل بهار همه چیز را با قدرت خود زنده می‌گردانیم، شما را نیز قادر هستیم در روز واپسین و در رستاخیز همه گیر زنده گردانده تا هر کس جوایگوی اعمال و کردارش در دنیا باشد و در آیات متعدد به اثبات معاد و رستاخیز از طریق تغییرات فصول استدلال و استشهاده شده است، و بنابراین قرآن کریم قدرت و مشیت الهی را در قالب خلقت و بیان جریان‌های طبیعی نمونه می‌آورد تا مساله اساسی قیامت را از روی نظایر طبیعی و رستاخیز دنیای واقعی برای ما آشکار و قابل قبول بنماید. سه دیگر اینکه در متن دعا آمده که پروردگارا همچنان که دگرگون‌کننده هر چیزی شما هستید پس ما را نیز همراه با دگرگونی طبیعت (در فصل بهار) با نیکو گرداندن اعمال و کردار و گفتارمان، دگرگون ساز و این دعا یادآور آیه مبارکه سوره انعام (آیه ۱۶۱) است که می‌فرماید: «قل اننی هدانی ربی الی صراط مستقیم» [بگو ای پیامبر محققاً مرا خدا به راه راست هدایت کرده است.].

نیز در دعای تحویل سال از دگرگون‌کننده دل‌ها و دیده‌ها و آورنده شب و روز درخواست شده که توفیق «تعبیر» و «تحول» در درون انسان‌ها نیز صورت گیرد و همراه با تحول طبیعت، انسان‌ها هم از بدی‌ها و پلیدی‌ها و رذایل به خوبی‌ها و نیکی‌ها و پاکی‌ها و فضایل روی آورند و چه زشت است که مرغ سحر تسبیح‌گوی باشد و ما در خواب غفلت. و خلاصه در دعای تحویل سال و تحول طبیعت: عبرت اندوزی، ایمان راسخ به روز رستاخیز، اصلاح نفوس و مزین گشتن به اخلاق حسنه، تسلیم در برابر مشیت و قدرت الهی، شکر نعمت‌های الهی، تعلیم و تلقین می‌شود. امید اینکه ما نیز همراه با دگرگونی‌های طبیعت به دگرگونی در درون (با کمک و دستگیری و هدایت خداوند) توفیق یابیم و با آب زلال قرآن «بلدمیت» خود را سیراب و آباد و خرم گردانیم همچنان که قرآن کریم می‌فرماید: «والله الذی ارسل الریاح فتثیر سحاباً فسقاه الی بلد میت فاحیینا به الارض بعد موتها کذلک النشور» (سوره فاطر، آیه ۹) [و خداست آنکه بادها را بفرستد تا ابرها را برانگیزد، آن ابر را، ما به شهر و دیار مرده می‌رانیم و به بارانش، زمین را زنده گردانیم؛ (آری) حشر و نشر مردگان هم (در قیامت) همین گونه است.]. صلی الله العظیم.